

انرژی هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای در صفحه شطرنج

ژئواستراتژیک*

ناصر ثقفی عامری
برگردان: افسانه احدی

چکیده

در حال حاضر در جهان تقاضا برای انرژی هسته‌ای به خاطر افزایش جهانی مصرف انرژی در حال افزایش است و از طرف دیگر گسترش تأسیسات هسته‌ای در سراسر جهان احتمال خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهد. این مسئله نوعی تناقض و پیچیدگی را در عرصه تعاملات جهانی موجب شده است. همچنین درخواست مجامع جهانی برای پادمان‌های هسته‌ای محکم‌تر و ممانعت از گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای مطرح شده است. در واقع این نگرانی وجود دارد که در صورت نادیده گرفتن حقوق کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای اعتبار کنونی معاهده منع گسترش هسته‌ای هرچه بیشتر تضعیف شود. بنابراین مساله ای که مطرح می‌باشد این است که چگونه می‌توان میان این دو روند یعنی افزایش تقاضا برای انرژی هسته‌ای و اعمال معیارهایی برای منع گسترش در ارتباط با خلع سلاح هسته‌ای نوعی تعامل ایجاد کرد. در این خصوص بررسی شیوه‌هایی که بتواند استفاده از انرژی هسته‌ای صلح آمیز را تسهیل کند و در عین حال مانع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شود اهمیت دارد. در این رابطه کارکرد معاهده منع اشاعه و انطباق آن با محیط جدید بین‌المللی موضوعی با اهمیت تلقی می‌شود به عبارت دیگر، سوال اینجاست که چطور می‌توان با تقاضای رو به افزایش برای انرژی هسته‌ای برخورد کرد و همزمان از خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای اجتناب نمود

کلیدواژه‌ها:

انرژی هسته‌ای، خلع سلاح، امنیت انرژی، ایران، توسعه هسته‌ای

* Paper presented at the 12th Castiglioncello International Conference, Resources, Proliferation, Conflicts, Castiglioncello, Italy,

منع اشاعه و انطباق آن با محیط جدید بین‌المللی موضوعی بااهمیت تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، سؤال اینجاست که چطور می‌توان با تقاضای رو به افزایش برای انرژی هسته‌ای برخورد کرد و همزمان از خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای اجتناب نمود. برای پاسخگویی به این سؤال اساسی بررسی مورد ایران مفید خواهد بود به ویژه که تلاش ایران برای کسب انرژی هسته‌ای با چالش‌های زیادی در ارتباط با تبعیت و تعهدش به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای روبه‌رو شده است. مورد برنامه هسته‌ای ایران و شیوه برخورد جامعه بین‌الملل با آن نه تنها برای حل یک بحران بین‌المللی مزمن مهم است بلکه به لحاظ ظهور روند جدیدی که رهیافت‌های جدیدی را در ارتباط با مسئله امنیت انرژی و خلع سلاح هسته‌ای مطرح می‌کند، اهمیت دارد.

امنیت انرژی

انرژی عنصر حیاتی برای تقریباً تمامی جنبه‌های زندگی مدرن و برای موفقیت هر اقتصاد پویایی قلمداد می‌شود. تقاضای جهانی انرژی بسیار بیشتر از نرخ رشد جمعیت در حال افزایش است. علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلان و تحقیقات در حال

در جهان دو روند مرتبط با تکنولوژی هسته‌ای وجود دارد که به نوعی درهم تنیده است. از یک طرف تقاضا برای انرژی هسته‌ای به خاطر افزایش جهانی مصرف انرژی در حال افزایش است و از طرف دیگر گسترش تأسیسات هسته‌ای در سراسر جهان خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهد. از این‌رو درخواست‌هایی برای پادمان‌های هسته‌ای محکم‌تری و ممانعت از گسترش بیشتر فعالیت‌های هسته‌ای مطرح شده است. از سوی دیگر این نگرانی وجود دارد که در صورت نادیده گرفتن حقوق کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای اعتبار کنونی معاهده منع گسترش هسته‌ای هرچه بیشتر تضعیف شود. بنابراین مسئله‌ای که مطرح می‌باشد این است که چگونه می‌توان میان این دو روند یعنی افزایش تقاضا برای انرژی هسته‌ای و اعمال معیارهایی برای منع گسترش در ارتباط با خلع سلاح هسته‌ای نوعی تعامل ایجاد کرد. در این خصوص بررسی شیوه‌هایی که بتواند استفاده از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را تسهیل کند و در عین حال مانع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شود نیز اهمیت دارد. بنابراین وظیفه و کارکردهای معاهده

استفاده جهانی از انرژی هسته‌ای پشتیبانی کرده است. زیرا بنا به گزارش مزبور از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۳۰ تقاضا برای این انرژی افزایش می‌یابد و این در حالی که تقاضا برای سوخت‌های فسیلی به ۹۰ درصد خواهد رسید. این آژانس همچنین پیش‌بینی می‌کند که افزایش رقابت برای منابع انرژی باعث خواهد شد تا تجارت سوخت‌های فسیلی تا ۲۰۳۰ به دو برابر افزایش یابد که بنابراین ۲۰ تریلیون سرمایه برای مقابله با این چالش مورد نیاز خواهد بود. چنین روندی افزایش چشمگیری را در قیمت‌های انرژی به دنبال دارد.

در سال‌های اخیر با مشکل امنیت انرژی به شیوه‌های گوناگونی همچون اختصاص ذخایر نفتی استراتژیک و تنوع‌سازی در منابع و تولیدکنندگان انرژی، برخورد شده است. آمریکا و چندین کشور اروپایی امروزه ذخایر استراتژیک نفتی دارند که می‌تواند تأثیرات هرگونه قطع یا تعلیق جریان نفت را تعدیل کند. این کشورها همچنین وابستگی خود به انرژی را متنوع کرده‌اند. بنابراین تأثیر هرگونه اختلال و یا انرژی بر کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند بسیار کمتر از تأثیری باشد که چنین امری می‌تواند بر کشورهای ضعیف‌تر و یا با

پیشرفت نظیر انرژی باد، خورشید و امواج به عنوان منابع انرژی تجدیدشدنی هنوز راه زیادی برای توسعه کامل اینگونه انرژی به منظور استفاده انبوه و تجاری باقی مانده است. سوخت‌های فسیلی ۸۰ درصد تقاضای جهانی انرژی را برآورده می‌کند اما این نوع سوخت تهدیدهای جدی را برای محیط زیست به وجود آورده که در اهداف زیست محیطی پروتکل کیوتو مورد تأکید قرار گرفته است. به منظور برخورد با تقاضای در حال افزایش انرژی به شیوه‌ای قابل اتکا و پایدار و تلاش برای تقویت امنیت انرژی، بسیاری از کشورها تمامی گزینه‌های ممکن را برای دسترسی به منابع جدید انرژی همچون انرژی هسته‌ای را در نظر دارند. امنیت انرژی به شکلی فزاینده به عنوان موضوع عمده در محاسبات استراتژیک هر کشوری تبدیل شده است به ویژه کشورهایی که اولویت بالایی را برای رشد و کامیابی اقتصادی خود قائلند.

اگر روند کنونی ادامه یابد، تقاضای جهانی انرژی در ۲۵ سال آینده به بیش از ۵۰ درصد خواهد رسید. آژانس انرژی بین‌المللی* در گزارش خود با عنوان چشم‌انداز انرژی جهانی در سال ۲۰۰۲ از

* IEA

اقتصادهای در حال توسعه داشته باشد. در برنامه‌های انرژی هسته‌ای که در دهه ۱۹۸۰ آغاز شده هستند. به همان ترتیب در کشورهای در حال توسعه نیز علاقه‌ای روبه افزایش برای دستیابی به انرژی‌های غیرفسیلی به ویژه انرژی هسته‌ای وجود دارد. در میان کشورهای مذکور برزیل، ایران و آفریقای جنوبی مایل‌اند تا انرژی هسته‌ای را با اهداف مسالمت‌آمیز و در مقیاس صنعتی وسیعی به کار گیرند. از سوی دیگر قیمت‌های بالای انرژی فسیلی و نیاز به جلوگیری از رشد تقاضا برای این نوع انرژی، کسب توانایی هسته‌ای را رقابتی‌تر نموده است. در صورت ادامه روند کنونی پیش‌بینی می‌شود که در آینده توانایی تولید انرژی هسته‌ای در جهان از ۳۶۸ گیگاوات در سال ۲۰۰۵ به ۴۱۶ گیگاوات در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. حتی این رقم در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تر در زمینه تولید انرژی هسته‌ای می‌تواند به ۵۱۹ گیگاوات تا سال ۲۰۳۰ برسد.

رستاخیز هسته‌ای

همان طور که در بالا اشاره گردید نقش انرژی هسته‌ای در قبال تقاضای فزاینده انرژی برق در آینده با توجه به نگرانی‌ها در مورد قیمت‌های در حال

ترکیبی از صعود قیمت‌های انرژی و حوادث ژئوپولیتیک در مسئله صادرات گاز روسیه به اروپا نمایان گردید. این امر بر نقش مهم بازیگران در عرصه انرژی قابل دسترس و ارتباط آن یا در رشد اقتصادی و توسعه انسانی و آسیب‌پذیری سیستم جهانی انرژی در جبران قطع جریان انرژی تأکید دارد. بنابراین تصمیماتی که در ارتباط با امنیت انرژی در دو دهه آینده اتخاذ خواهد شد در تعیین روندهای مربوط به بازار جهانی انرژی و سیاست‌های امنیت انرژی به طور اعم و در ارتباط با کشورهای مختلف حیاتی خواهند بود. امروزه نفت، گاز و زغال سنگ عمده انرژی را تشکیل می‌دهند و دیگر منابع انرژی به ویژه انرژی‌های تجدیدشدنی بیشتر در آینده کاربرد خواهند داشت. زیرا فن‌آوری مرتبط با این نوع انرژی‌ها هنوز تا توسعه کامل و رقابت‌پذیری در بازارهای تجاری راه طولانی را در پیش دارند. تا زمانی که این گونه انرژی توسعه پیدا کنند، تقاضای تحت تأثیر چشم‌انداز کاهش منابع نفت و نگرانی‌های مرتبط با تغییرات آب و هوایی جهان مشکلات خواهد گرفت. برخی از کشورهای صنعتی به ویژه در اروپا مستعد تجدیدنظر

بسیار بهتری که داشت همچنان سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. بسیاری از کشورها نسبت به وابستگی به منابع انرژی وارداتی خود بسیار هوشیارانه برخورد می‌کنند. کشورهای پیشرو در صنعت برق هسته‌ای همانند فرانسه و ژاپن به انرژی هسته‌ای به طور عمده‌ای به انرژی هسته‌ای برای تأمین نیازمندی‌های خود اتکاء دارند. قطع جریان گاز صادراتی به اروپا در ژانویه ۲۰۰۶ بار دیگر بر بی‌ثباتی تولید گاز و نفت بار دیگر تأکید نمود. نگرانی‌هایی که در پی حوادث مزبور به وجود آمد علایق خفته نسبت به انرژی هسته‌ای را بیدار کرده است. آسیا به ویژه به توسعه عظیم تولید انرژی هسته‌ای روی آورده است. برای مثال در چین پیش‌بینی شده که تولید برق از انرژی هسته‌ای سالانه از ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰ به‌طور متوسط ۷/۷ درصد رشد داشته باشد. در هند نیز پیش‌بینی شده که میزان رشد انرژی هسته‌ای به طور متوسط ۹/۱ درصد در سال باشد. هند در نظر دارد تا سال ۲۰۳۰، به ۴۰ گیگاوات برسد. چین تا سال ۲۰۲۰ در نظر دارد به ۴۰ گیگاوات انرژی هسته‌ای دست یابد؛ ژاپن در نظر دارد تا سال ۲۰۱۵ به ۲۸ گیگاوات دست یابد.

افزایش انرژی فسیلی قابل توجه است. با این حال اغلب خوش‌بینی در مورد گسترش انرژی هسته‌ای با بدبینی در مورد گسترش تکنولوژی‌های حساس چرخه سوخت هسته‌ای که می‌تواند مواد اولیه مورد نیاز سلاح‌های هسته‌ای را فراهم کند، گره خورده است. به علاوه، گرچه امنیت هسته‌ای به ویژه در سال‌های اخیر افزایش یافته، آسیب‌پذیری‌های ذاتی انرژی هسته‌ای در ارتباط با اتلاف در مصرف، رقابت‌های اقتصادی و گسترش سلاح‌های هسته‌ای همچنان باقی است. از طرف دیگر نگرانی‌ها در مورد امنیت انرژی از یک سو و گسترش تسلیحات کشتار جمعی از سوی دیگر پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ افزایش یافته است.

در دهه ۱۹۸۰ به دنبال حوادث جزیره «تری مایل آیلند» که در سال ۱۹۷۹ در آمریکا به وقوع پیوست و «چرنوبیل» که در سال ۱۹۸۶ در شوروی سابق روی داد، روند توسعه انرژی هسته‌ای کند شد. همچنین در دهه ۱۹۹۰ قیمت روبه کاهش گاز طبیعی مولدهای توربینی گازی را در اروپا و آمریکا جایگزین‌های جذابتری نسبت به انرژی هسته‌ای ارائه نمودند. با این حال انرژی هسته‌ای در تولید انرژی برق با کارایی

هسته‌ای بیان شده است: «هرچه بیشتر به آینده نگاه کنیم، می‌توانیم بیشتر شاهد کشورهای باشیم که منافع بالقوه را در توسعه توان هسته‌ای دارند و آن را برای محیط جهانی و رشد اقتصادی ضروری می‌دانند».

تحول مهم دیگر در عرصه توسعه برنامه‌های تولید انرژی هسته‌ای، علاقمندی برخی دولت‌ها برای پیوستن به گروه کشورهای تولیدکننده سوخت هسته‌ای است. تاکنون آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، ایران، آفریقای جنوبی و اوکراین علاقه خود را به توسعه توانایی‌های تجاری غنی‌سازی اورانیوم اعلام کرده‌اند.

چالش‌های توسعه هسته‌ای

در حالی که در تقاضای جهانی برای انرژی رشد سریعی در حوزه انرژی‌های غیرکربنی به ویژه انرژی هسته‌ای ملاحظه می‌شود، نگرانی‌های جدی در مورد انحراف احتمالی مواد و تجهیزات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح ابراز شده است. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیاز به ایمن‌سازی مواد هسته‌ای و رادیواکتیو و دیگر تجهیزات مرتبط به آنها به خاطر نگرانی از تهدید تروریسم، شورش و سرقت مواد هسته‌ای از

ظاهراً بسیاری از کشورهای فاقد توان هسته‌ای گزینه‌های دستیابی به انرژی هسته‌ای را به طور جدی مورد توجه قرار داده‌اند. در این رابطه فرانسه به بسیاری از کشورهای عربی ایجاد تأسیسات تولید انرژی هسته‌ای را پیشنهاد نموده است. فرانسه در مورد توافقنامه‌ای برای همکاری هسته‌ای با لیبی پیش رفته و مذاکراتی را با الجزایر و امارات متحده عربی آغاز نموده است. پیشنهاد هسته‌ای فرانسه به کشورهای عربی به زعم برخی از ناظران به منزله از یک سو تلاشی برای کاهش وابستگی فرانسه به منابع انرژی کشورهای عربی و از سوی دیگر افزایش صادرات هسته‌ای این کشور است. همچنین گفته شده که فرانسه توسعه صادرات هسته‌ای خود را امری بسیار مهم و استراتژیک و در حقیقت آن را وزنه تعادلی در برابر سیاست‌های توسعه‌گرای روسیه و چین برای افزایش نفوذ و حضورشان در آسیا و آفریقا می‌داند.

به طور کلی باید گفت که موج توجه و علاقه به دستیابی به انرژی هسته‌ای به رسانه‌های جمعی و به عرصه تجارت سرایت نموده است. دورنمایی از آینده انرژی هسته‌ای به نحو روشنی توسط محمد البرادعی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی

که می‌تواند در عرصه جنگ‌های متعارف به کار رود. بازده این بمب شش برابر قدرتمندتر از بمب هیروشیماست. سنای آمریکا همچنین برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی چراغ سبز نشان داده است. این سلاح برای جنگ‌های متعارف علیه دولت‌هایی که به آنها برچسب دولت‌های سرکش و یا سازمان‌های تروریستی زده‌اند، به کار خواهند رفت. در واقع سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی اکنون به عنوان سلاح‌های نیمه استراتژیک در کنار سلاح‌های متعارف طبقه‌بندی شده‌اند. این روند موجب هشدار جدی در مورد افزایش دولت‌هایی است که به توسعه سلاح‌های هسته‌ای می‌پردازند. در شرایطی که شاهد تنش‌های منطقه‌ای و فرسایش تضمین‌های امنیتی هسته‌ای کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشیم تکیه قدرت‌های هسته‌ای بر دکت‌ترین‌های مجاز بودن استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در صحنه نبرد سطح تهدیدات هسته‌ای را افزایش داده است. بنابراین اغراق‌آمیز نیست که بگوییم امروزه خطر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به همان اندازه دوران جنگ سرد است.

تحت شرایط مذکور ضرورت ایجاب می‌کند که کشورهای دارنده سلاح‌های

اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در طی ۳۷ سال گذشته وظیفه پاسداری از استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی‌های هسته‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای سپرده شده است. معاهده منع گسترش نظام پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را به عنوان بازوی رسیدگی معاهده منع گسترش تعریف می‌کند. مسئله منع گسترش هسته‌ای عمدتاً توسط سیاست‌های سختگیرانه قدرت‌های هسته‌ای به چالش کشیده شده است آنها حفظ و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را به عنوان ابزاری انحصاری برای پیشبرد منافع و تحمیل سیاست‌های خویش تلقی می‌کنند به این ترتیب هر چند که تعداد کلاهک‌های هسته‌ای در ۲۰ سال گذشته کاهش یافته است با این حال کشورهای بیشتری در حال توسعه و تجهیز زرادخانه هسته‌ای‌شان هستند، رقم فعلی این سلاح‌ها هنوز بیش از ۲۷ هزار در جهان است.

در انگلستان دولت آن کشور تصمیم به احیای برنامه تسلیحات هسته‌ای و ادامه آن تا بعد از سال ۲۰۲۰ گرفته است. در آوریل ۲۰۰۳ کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا به پنتاگون اختیار داد که به توسعه بمب‌های تاکتیکی جدید هسته‌ای بپردازد

هسته‌ای به تعهدات خود در معاهده منع اشاعه تعهد احیا شده‌ای در جهت دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای در چارچوب زمانی قابل قبول عمل نمایند. بدون این تعهد مذاکرات آتی مرتبط با معاهده منع اشاعه با فرسایش همراه خواهد بود. علاوه بر این تعهد به خلع سلاح قدرت‌های هسته‌ای و دیگر اعضای معاهده منع اشاعه انتقال هیچ سلاح هسته‌ای یا دیگر ابزار انفجاری یا کنترل چنین تسلیحات و ابزار انفجاری را تضمین نکرده است. این تعهد توسط برخی قدرت‌های هسته‌ای در گذشته نادیده انگاشته شده است. از جمله همکاری قدرت‌های غربی در هسته‌ای کردن اسرائیل در تضاد با تعهدشان در معاهده منع اشاعه تلقی می‌گردد. در این خصوص شواهد بسیاری وجود دارد. از جمله اظهارات دو مقام آمریکایی که همکاری آمریکا با اسرائیل را در توانمند کردن نیروی دریایی اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای دریایی افشا نمودند مسئله خرید زیردریایی‌های دلفین ساخت آلمان با توانایی حمل کلاهک‌های هسته‌ای توسط اسرائیل است. دولت آلمان در حالی این معامله را تصویب کرد که هیچ مخالفت مهمی با آن در پارلمان آن کشور ابزار نشد. تنها انتقادهایی از جانب دو عضو

دو حزب مخالف دولت مطرح شد. سخنگوی امنیت ملی از حزب سبزها گفت که چنین تصمیمی اشتباه است زیرا آلمان هیچ تضمینی ندارد که این زیردریایی‌ها سلاح‌های هسته‌ای حمل نکنند. او در سخنانش گفت که «این خط قرمز نباید شکسته می‌شد». به گفته وی «به عبارت دیگر این اقدام کناره‌گیری کامل آلمان از سیاست منع گسترش است». این اقدام و رویدادهای مشابه نشان‌دهنده فقدان آگاهی لازم در افکار عمومی غرب در مورد تهدید واقعی سلاح‌های هسته‌ای است. واقعه مذکور نشان دهنده آن است که در پیگیری مؤثرتر خلع سلاح هسته‌ای، سازمان‌های غیردولتی و اعضای پارلمانی کلیه کشورها به ویژه در کشورهایی که دارای سلاح‌های هسته‌ای یا تحت حمایت و زیر چتر هسته‌ای ناتو قرار دارند می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. از آنجایی که این جنبش‌ها برای آگاهی عمومی و بسیج افکار عمومی اهمیت دارد و به منظور اینکه دولت‌های مسئول را وادارد تا گام‌های ضروری برای کاهش ارزش سلاح‌های هسته‌ای و کمک به هدف پیشبرد کاهش و حتی حذف سلاح‌های هسته‌ای بردارند. البته باید گفت که ابتکارات و اقدامات برخی اعضای پارلمان در کانادا و یا

این سلاح‌ها براساس تعهدشان اعمال شود. و تا زمانی که خلع سلاح هسته‌ای محقق شود دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای باید مطمئن شوند که آنها با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و حتی تسلیحات متعارف دولت‌های دارای این سلاح‌ها تهدید نمی‌شوند. تضمین‌های امنیتی ارائه شده به وسیله دولت‌های دارای سلاح‌ها هسته‌ای باید جهانی، فراگیر، بدون شرط و به‌طور قانونی در قالب یک معاهده باشند. همزمان دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای باید متعهد شوند که سلاح‌های هسته‌ای موجود را به کار نبرند و آن را توسعه ندهند. در غیر این صورت، این امر می‌تواند تهدیدات هسته‌ای را افزایش داده و دور جدیدی از رقابت‌های تسلیحات هسته‌ای را در پی داشته باشد. از سوی دیگر رابطه سه دولت غیرعضو معاهده منع اشاعه با رژیم منع گسترش موضوع مهم دیگری است که هنوز به شکلی مناسب مورد بررسی قرار نگرفته است.

هر چند یک رنسانس هسته‌ای که شامل غنی‌سازی هسته‌ای و بازپزدانش آن به عنوان گامی ضروری برای خودکفایی تهیه سوخت می‌تواند عملاً موجب انباشت بیشتر اورانیوم غنی‌شده و یا پلوتونیوم گردد.

در پارلمان اروپا و دیگر کشورهای غربی ابتکاراتی در این زمینه موجب امیدواری است.

واقعیت این است که امروزه قدرت‌های بزرگ با اختراعات مهمی که در جهت تحقق اهداف امنیتی‌شان در مورد تسلیحات متعارف انجام داده‌اند تحقق اهداف امنیتی‌شان دیگر نیازی به سلاح‌های هسته‌ای ندارند. بنابراین دارا بودن زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای به هیچ وجه ضروری نبوده و به طور منطقی هدف اصلی باید حذف کامل سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب نظام امنیت جمعی باشد. به این ترتیب ارتقا استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تحت پادمان بین‌المللی مناسب برطبق تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو پیمان عدم اشاعه مبتنی بر رفتار غیرتبعیض‌آمیز امکان‌پذیر خواهد بود.

بدیهی است که پیشرفت در تکنولوژی و به همان اندازه بهبود در رژیم بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارتقای گسترش پایدار انرژی هسته‌ای را ممکن می‌سازد. با این حال در ایجاد رژیم جدید بازرسی‌ها ضروری است که تضمین شود که این رژیم به طور مساوی هم برای دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای و هم دولت‌های فاقد

اما نگرانی‌ها در ارتباط با انحراف‌های بالقوه باید به نوعی تعریف شود که در کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای مانعی ایجاد نکند. متأسفانه برخی قدرت‌های غربی در نظر دارند بنیاد پیمان عدم اشاعه را با تحمیل محدودیت‌هایی در مورد تولید سوخت هسته‌ای توسط کشورهای دیگر و به جز تعداد محدودی از کشورهای انتخاب شده که قبلاً از توانایی غنی‌سازی هسته‌ای برخوردار شده‌اند، پایمال کنند. بر این اساس این دسته از کشورهای غربی در نظر دارند که بانک سوخت هسته‌ای را به وسیله تعدادی از کشورهایی که دارای تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم هستند، محدود کنند. اگر این طرح محقق شود، این امر به معنای محروم کردن دیگر کشورها از توسعه تأسیسات غنی‌سازی بومی آنان در آینده است.

در این خصوص و در بحث‌هایی که محافل داخلی واشنگتن جریان دارد، تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم یا بازپردازش سوخت مصرف‌شده هسته‌ای در کشورهای جدید حتی با اهداف صلح‌آمیز به عنوان خطر بلندمدت غیرقابل قبولی برای امنیت ملی آمریکا تلقی می‌گردد. این اعتقاد در واشنگتن وجود دارد

که فن‌آوری غنی‌سازی به قصد تولید سوخت برای راکتورها می‌تواند به ایجاد اورانیوم با غنای بالا برای سلاح هسته‌ای به کار رود و پلوتونیوم به دست آمده از بازپردازش سوخت مصرف‌شده برای ساخت سلاح هسته‌ای و انتقال به تروریست‌ها مناسب خواهد بود. با این فرض، ایالات متحده تلاش‌های بین‌المللی را برای متوقف کردن گسترش غنی‌سازی و بازپردازش مواد هسته‌ای را به کشورهای جدید آغاز کرده است. در ارتباط با این سیاست در ژوئن ۲۰۰۷، مجلس نمایندگان آمریکا قانون سوخت هسته‌ای را برای ایجاد یک رژیم بین‌المللی جهت ایجاد یک بانک سوخت هسته‌ای بین‌المللی تصویب نمود.

در واکنش به طرح کنگره آمریکا، ایران تردید جدی خود را در مورد کفایت ابتکار آمریکا برای ایجاد یک بانک بین‌المللی سوخت هسته‌ای ابزار داشته است. ایران تصریح کرده است که «هیچ تضمینی برای تأمین سوخت هسته‌ای در جهان وجود ندارد و بنابراین باید به هدف اساسی خود برای تولید سوخت هسته‌ای ادامه دهد».

در اقدامی موازی آمریکا و برخی کشورهای همفکرش در آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی، تأسیس یک بانک بین‌المللی سوخت هسته‌ای را مطرح کردند. اگرچه این سیاست‌ها همراه با ابزار تقویت‌کننده پادمان‌ها در مدل ویژه پروتکل الحاقی ۱۹۹۷ در کوتاه مدت، می‌تواند مؤثر باشد، لیکن در طولانی مدت به نظر می‌رسد که به برخی ابزارهای خلاقانه‌تری برای تقویت معاهده منع اشاعه نیاز خواهد داشت.

بازبگران جدید در عرصه هسته‌ای

نظام بین‌الملل در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو شده است. در زمانی که کشمکش‌های فزاینده‌ای برای ایجاد نظام جدید بین‌الملل براساس یک قطبی یا چندقطبی وجود دارد می‌تواند شواهد بیشتری در این رابطه مشاهده کرد. بحث‌های یک‌قطبی در برابر چندقطبی از زمان فروپاشی شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ و پایان نظم جهانی برپایه نظام دوقطبی آمریکا - شوروی آغاز شده است. آمریکا و برخی متحدانش همچون انگلستان به نفع ایجاد یک جهان تک‌قطبی تلاش می‌کنند تا در آن آمریکا تنها ابرقدرت در ایجاد نظم جهانی باشد. در مقابل آنها تقریباً بقیه جهان قرار دارند که تمایل به

چندجانبه‌گرایی دارند. در طیف وسیع‌تری از سیاست‌های جهانی و در حالی که امنیت انرژی به نگرانی اصلی بسیاری از کشورها تبدیل شده است، این مسئله یعنی موضوع انرژی هسته‌ای، وزنی استراتژیک پیدا می‌کند. برای مثال در قرارداد بحث‌انگیزی که آمریکا در ژوئیه ۲۰۰۷ با هند منعقد کرد، همکاری هسته‌ای غیرنظامی میان دو کشور مجاز شمرده شد. این امر نه تنها می‌تواند تأثیرات زیادی بر آینده پیمان منع اشاعه داشته باشد بلکه می‌تواند بر معادله قدرت‌های بزرگ نیز تأثیرگذار باشد. هند برای اولین بار در تاریخ روابط خارجی خود به یک شریک استراتژیک آمریکا تبدیل شده است. متفکران استراتژیک آمریکا معتقدند که هند به عنوان یک متحد قصدش مقابله با چین است تا برتری جهانی آن تضمین شود. این در حالی است که برخی از دولت‌ها عمیقاً از معاف شدن هند از مقررات معاهده منع اشاعه هسته‌ای ناخشنودند. در ۱۹۶۸ هند از امضای پیمان منع اشاعه با این استدلال که این پیمان به نفع کشورهای است که قبلاً به سلاح‌های هسته‌ای دست یافته‌اند خودداری کرد. هند می‌گوید چنانچه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای شروع به نابودی تسلیحات

هسته‌ای خود نمایند و اگر این امر محقق شود، هند هیچ مشکلی برای زندگی در جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای نخواهد داشت.

برخلاف دیدگاه مذکور چنین استدلال می‌شود که تسامح در قبال هند اقدامات لازم در جهت عدم اشاعه را مشکل‌تر خواهد ساخت. از جمله اینکه چطور می‌شود که از اعضای پیمان منع اشاعه که به دنبال غنی‌سازی اورانیوم برای تأسیسات هسته‌ای خود هستند خواسته شود که بازرسی‌های سختگیرانه‌تری را که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای همه اعضای پیمان تعریف کرده، بپذیرند. در حالی که کشورهای دیگری مانند هند که پیمان را امضا نکرده است از آزادی کامل برخوردار باشد. توافق هند و آمریکا، که به معنای معاف شدن هند مسلح به سلاح‌های هسته‌ای از پیمان منع اشاعه می‌باشد در حالی صورت می‌پذیرد که همزمان با آن، ایران به عنوان کشوری که متهم است که از مفاد معاهده تمرد نموده است انگونه رفتار می‌شود. چنین رویکردی مسلماً تمامی ضوابط و چارچوب‌های فعلی برای ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تضعیف می‌کند. از این رو به‌زعم برخی کارشناسان آمادگی آمریکا برای معاف کردن

هند از مقررات پیمان عدم اشاعه، ماندگاری رژیم جهانی منع گسترش هسته‌ای را با خطر جدی روبه‌رو می‌کند. از جمله ژاپن که مدت چند دهه از بمب هسته‌ای هند احساس ناامنی می‌کرد، کمتر از چند هفته بعد از امضا موافقتنامه میان هند و آمریکا، تغییر بزرگی را در سیاست خود نشان داد و نخست‌وزیر ژاپن برای مشارکت استراتژیک هند به دهلی نو سفر نمود. همچنین استرالیا که تاکنون سیاست عدم فروش اورانیوم به کشورهای خارج از معاهده منع گسترش هسته‌ای را دنبال می‌نموده است با تأیید آمریکا با فروش اورانیوم به هند موافقت کرد: روسیه حتی از مدت‌ها قبل و به عنوان شریک استراتژیک هند یک سال زودتر از توافق آمریکا و هند به فروش اورانیوم به هند اقدام می‌کرده است.

تحت شرایط مذکور چنین که از توافقنامه مذکور ناخشنود است ممکن است به همکاری‌های هسته‌ای بیشتری با پاکستان متمایل شود این امر می‌تواند خطر مسابقه با هند را در پی داشته باشد و این دو کشور را وادارد تا به تولید سلاح‌های هسته‌ای بیشتر و یا آزمایش مجدد روی آورند.

از سوی دیگر رئیس‌جمهور فرانسه

ظاهراً در حرکتی به منظور عقب نماندن از بازار رو به گسترش هسته‌ای و سهام شدن در آن، اعلام داشت که کشورهای عربی باید به فن‌آوری هسته‌ای مطمئن باشند و این مسئله را که این مسئله می‌تواند منجر به برخورد تمدن‌ها شود را رد کرده است.

نقشی اساسی برای ایران

ایران مدتی است که در مباحث هسته‌ای به نقطه توجه جهانی تبدیل شده است. نتیجه پرونده هسته‌ای ایران هنوز روشن نیست اما بدون شک این مسئله به آینده پیمان منع اشاعه و نظام اداره بازار انرژی هسته‌ای اثر خواهد گذاشت. مورد ایران زمانی بیشتر قابل توجه می‌شود که این کشور از منابع غنی نفت و گاز برخوردار است و تمایل دارد تا به تولیدکننده انرژی هسته‌ای نیز تبدیل شود. ایران یک قدرت در حال ظهور منطقه‌ای است و بازیگری مهم نه تنها در خاورمیانه بلکه در حد گسترده‌تری در آسیای غربی و در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. ایران دومین منابع ترکیبی گاز و نفت در جهان را در اختیار دارد. ایران در حدود ۹۸۰ تریلیون فوت مکعب گاز (۱۷ درصد از منابع کل جهان) و در حدود ۱۳۲ میلیارد بشکه نفت

(۱۱/۴ درصد منابع جهانی) را در اختیار دارد. منابع عظیم انرژی در ایران بدان معناست که این کشور در مورد وضعیت انرژی و افزایش تقاضای جهانی انرژی در آینده حرف بیشتری برای گفتن خواهد داشت. وضعیت ژئواستراتژیک ایران که مرکز منابع عمده انرژی جهان در خلیج فارس و حوزه دریای خزر محسوب می‌شود و شبکه خطوط لوله‌های نفتی و گازی این کشور که از مدت‌ها قبل در حال گسترش است، ایران را به عاملی محوری در بازار انرژی جهان تبدیل می‌کند.

نقش خلیج فارس در امنیت انرژی در دهه‌های آینده بسیار کلیدی خواهد بود، زیرا استخراج نفت در این حوزه ارزان بوده، دارای ذخایر عظیمی است و توانایی تولید بالقوه و بالفعل بسیار مهمی را دارا می‌باشد. خلیج فارس ۶۵ درصد از ذخایر نفت شناخته شده دنیا را داراست و بنابراین منطقه مهمی در تأمین نیاز جهانی نفت محسوب می‌شود. در واقع، وابستگی به خلیج فارس با افزایش تقاضای جهانی انرژی به ویژه در آسیا و مخصوصاً در مورد چین و هند بیشتر خواهد شد. همچنین غرب نیز با افزایش تقاضا برای نفت به این منطقه وابسته‌تر خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود که مصرف انرژی در

ایالات متحده و اروپای غربی تا سال ۲۰۱۵ سالانه ۱/۳ درصد رشد داشته باشد. از سوی دیگر تا سال ۲۰۱۵، ۳۴ درصد واردات نفت آمریکای شمالی از خلیج فارس خواهد بود. در مورد اروپای غربی این رقم به ۴۰ درصد بالغ می‌شود.

حوزه دریای خزر حوزه غنی نفتی به ویژه گازی دیگر است. اگرچه حوزه دریای خزر تنها ۳ درصد از ذخایر نفتی جهان را دارا می‌باشد، منابع گازی این حوزه یکی از بزرگ‌ترین منابع گازی جهان است که شامل ۱۲ درصد از منابع شناخته شده گاز طبیعی در دنیا محسوب می‌شود. هر چند حوزه دریای خزر در مقایسه با خلیج فارس از نفت بسیار کمتری برخوردار است و هزینه‌های تولید و استخراج در آن بسیار بالاست با وجود این، این حوزه می‌تواند در تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی در جهان مؤثر باشد.

اگر طرح‌های کنونی برای انتقال نفت و گاز از این دو منطقه مهم به بازارهای انرژی در آسیا و اروپا محقق شوند، ایران هم به عنوان تأمین‌کننده انرژی و همچنین به عنوان کشور عبوردهنده برای تبادل نفت و گاز از طریق خطوط لوله از شمال به جنوب و از غرب به شرق در سرزمینش نقش

عمده‌ای ایفا خواهد کرد. به علاوه ایران عملاً می‌تواند نقش اساسی در تضمین امنیت در هر دو منطقه خلیج فارس و حوزه دریای خزر بازی کند.

از یک چشم‌انداز ژئوپولیتیک، منابع نفتی عمده جهان عمدتاً در نواحی شیعه‌نشین خاورمیانه واقع شده یا در مناطقی است که جزو متحدان بالقوه ایران محسوب می‌شوند. دورنمای اتحاد شیعیان به رهبری ایران که بیشترین منابع گاز و نفت جهان را در کنترل دارند، مدت‌ها موضوع گمانه‌زنی‌های ناظران بین‌المللی بوده است. چنین بلوکی که ایران سکان‌دار آن می‌باشد می‌تواند به شبکه امنیت انرژی آسیایی به محوریت چین پیوندد. چنین امری در حالی است که ایران سیاست «نگاه به شرق» را به عنوان اولویت اول خود در گسترش روابط با ملت‌های آسیایی به ویژه هندو چین قرار داده است قابل تأمل می‌باشد. هم‌اکنون چین به مقیاس وسیعی به منابع سوخت فسیلی ایران وابسته است. صادرات انرژی ایران در حال حاضر با کشتی به چین صورت می‌پذیرد و از این رو در آینده در برابر ممانعت‌های احتمالی آمریکا آسیب‌پذیر است. طرح‌های در خصوص ایجاد خط لوله از ایران به پاکستان و هند و

علت سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌های آمریکا نادیده گرفته شده است. با این حال، با توجه به آثار حمله آمریکا به افغانستان و عراق، منافع مشترکی میان آمریکا با ایران برای ایجاد ثبات سیاسی در این دو کشور به وجود آمده است. که در صورت گسترش این همکاری‌ها می‌تواند به نوبه خود به ایجاد ثبات در تمامی خاورمیانه کمک کند. به علاوه، لحن تهدیدآمیز کاخ سفید در ارتباط با یک ایران هسته‌ای باید در چارچوب تاریخی روابط ایران و آمریکا مورد تحلیل قرار گیرد. نیت ایران در طرح غنی‌سازی اورانیوم هرگز پنهانی نبوده است. ایران آشکارا قصد خود را برای انجام تحقیقات و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام کرده است. در سال‌های گذشته بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازرسی‌های مرتب و منظمی از تأسیسات هسته‌ای ایران داشته‌اند و حتی بازرسی‌های خود را تا معادن اورانیوم ایران تسری داده‌اند.

با این وجود و با وجودی که تلاش‌های ایران برای دستیابی به تکنولوژی غنی‌سازی آشکار و در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جامعه بین‌المللی بوده است همواره با کارشکنی‌های دولت‌های آمریکا روبه‌رو شده است.

بعداً به چین در نظر گرفته شده که می‌تواند از مداخله نظامی توسط قدرت‌های متخاصم مصون باشد.

در صحنه اروپا، وابستگی به واردات سوخت‌های فسیلی از روسیه در حال افزایش است. در حال حاضر اروپا برای تأمین ۲۵ درصد از گاز مورد نیاز خود به روسیه وابسته است. این میزان تا سال ۲۰۲۰ به ۷۰ درصد افزایش می‌یابد. در همین زمان روسیه به دنبال فروش سوخت فسیلی بیشتری به آسیا است که این به معنای عدم توانایی این کشور در تأمین تمامی نیازهای انرژی در آینده خواهد بود. به طور خلاصه، روسیه به تنهایی قادر نخواهد بود تا نیازهای آینده اروپا را به گاز برآورده کند به ویژه که روسیه صادرات عمده‌ای را به چین و ژاپن برنامه‌ریزی می‌کند. بنابراین، اروپا باید برای نیاز خود به گاز به مناطق دیگری همچون شمال آفریقا یا کارائیب رجوع کند. اما گزینه مطلوب اروپا منابع عظیم انرژی ایران می‌باشد. با توجه به چنین دورنمایی است که بسیاری از خردورزان توصیه می‌کنند که ایالات متحده و اروپا باید به جای رویارویی تعامل سازنده‌ای را با ایران در پیش گیرند.

عدم عمل به توصیه مذکور مدت‌ها به

واشنگتن به طور مکرر این سؤال را طرح می‌کند که چرا ایران به عنوان دومین کشور عمده صادرکننده نفت در جهان نیازمند انرژی هسته‌ای است و استدلال ضمنی که می‌کنند این است که تنها دلیل تمایل ایران برای ساخت تأسیسات هسته‌ای و توسعه توانایی غنی‌سازی اورانیوم دستیابی به بمب است. تهران معتقد است که رشد چشمگیر تقاضا برای نفت و گاز طبیعی در بازارهای بین‌المللی در بلندمدت به لحاظ منافع اقتصادی، ایران را وادار می‌سازد تا برای تأمین انرژی برق داخلی به انرژی هسته‌ای تکیه کند و منابع فسیلی خود را برای صادرات حفظ کند.

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، در اظهارات صریحی تصریح دارد که ایران علاقه‌ای به سلاح‌های هسته‌ای ندارد. به گفته وی: «ملت ایران بمب هسته‌ای ندارد و هیچ طرحی نیز برای ساخت این سلاح مخرب

ایران محسوب نمی‌گردد و حدود نیم قرن سابقه دارد. ایرانیان خود را ملتی با سابقه از یک تمدن بزرگ می‌دانند که در گذشته از جایگاه واقعی خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به لحاظ مداخلات خارجی محروم شده‌اند. دولت ایران بر این اساس برآن است تا برای حفظ اقتدار حاکمیت خود به عنوان یک ملت بزرگ که به دنبال قدرت ذاتی خود در منطقه است، در مقابل مانع تراشی‌هایی که می‌شود ایستادگی کند.

ندارد.» در گذشته ایالات متحده و چندین کشور اروپایی ایران را به تلاش برای دستیابی به توانایی ساخت سلاح اتمی متهم کرده‌اند. همچنین نگرانی‌هایی ابراز شده که یک ایران هسته‌ای همسایگانش را تهدید می‌کند و یا اینکه نظام امنیت منطقه‌ای یا محوریت آمریکا را به چالش می‌کشد و احتمالاً سلاح‌های هسته‌ای را به گروه‌های تروریستی خواهد داد. ایران به طور مکرر

این اتهامات را رد کرده و تأکید می‌نماید که برنامه هسته‌ای‌اش مقاصد داخلی و صلح‌آمیز دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چندین سال است که شدیداً برنامه هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار داده است. لیکن آژانس مزبور هیچ مدرکی که نشان دهنده آن باشد که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است، تاکنون نیافته است.

ایران برای اثبات مقاصد صلح‌آمیز خود در توسعه فن‌آوری هسته‌ای طی مذاکرات با سه کشور اروپایی: انگلستان، فرانسه و آلمان در مورد برنامه هسته‌ای‌اش شرکت کرد. سه کشور اروپایی و ایران به توافقی دست یافتند که ایران غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد. در عوض اروپا متعهد شد تضمین‌هایی در این مورد به ایران بدهد. ظاهراً تحت فشارهای آمریکا، اروپا به طور جدی مذاکرات را پیگیری نکرد و ایران غنی‌سازی اورانیوم را از سر گرفت. به دنبال این اقدام ایران و تحت فشار آمریکا و متحدانش، شورای امنیت در دسامبر ۲۰۰۶ در یک اقدام جدی برخی تحریم‌های اقتصادی را بر ایران به خاطر عدم توقف فعالیت‌های غنی‌سازی‌اش تحمیل کرد. همزمان واشنگتن شروع به کوبیدن طبل

جنگ و حمله نظامی علیه ایران نمود. به لحاظ زمانی در اینجا لازم است که به نکاتی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران که اغلب نادیده گرفته می‌شوند توجه کرد. نکته اول اینکه کارشناسان ۱۶ دستگاه اطلاعاتی آمریکا در دسامبر ۲۰۰۶ اعلام داشتند که حتی اگر ایران تصمیم بگیرد این کشور ۱۰ سال تا ساخت بمب هسته‌ای فاصله دارد به این ترتیب اظهارات دولت بوش در مورد تهدید هولوکاست هسته‌ای را باید تنها تاکتیکی برای مرعوب ساختن ایران تلقی نمود. نکته دیگر این است که چرا ایران در وهله اول تلاش می‌کند تا بمب هسته‌ای بسازد و چه نوع تهدیدی در این رابطه ایجاد می‌شود. اگر ایران موفق به ساخت سلاح هسته‌ای شود، مطمئناً یک بمب ایرانی هیچ تهدیدی نمی‌تواند متوجه آمریکا که دارای ده‌ها هزار بمب و از جمله بمب‌های هسته‌ای است، نماید. در واقع هیچ کشوری به جز روسیه توانایی تهدید جدی آمریکا را ندارد. ادعای تکراری دیگر این است که ایران در برنامه هسته‌ای خود به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای است تا آن را علیه دشمنانشان به ویژه اسرائیل به کار گیرد. این در حالی است که اغلب استراتژیست‌های

اسرائیلی اعلام نموده‌اند که ایران هیچ تهدید بالفعل علیه اسرائیل، آمریکا یا دولت‌های عرب نمی‌باشد. زیرا چنانچه ایران، اسرائیل یا هر یک از متحدان آمریکا در منطقه را با حملات هسته‌ای تهدید کند با تلافی هولناک آمریکا روبه‌رو خواهد شد.

در این رابطه، ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا که ۴ سال ریاست ستاد مشترک این کشور را برعهده داشته می‌گوید که او مطمئن است که اگر ایران به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، ایالات متحده این کشور را از استفاده از این سلاح‌ها بازخواهد داشت.

لازم به ذکر است که ایران از محدود

کشورهایی در جهان است که عضو تمامی موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل سلاح‌های کشتار جمعی است. طبیعتاً ایران به عنوان یکی از اعضای پایبند معاهده منع اشاعه بر حقوق غیرقابل انکار خود برای توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای تأکید دارد و می‌خواهد غنی‌سازی اورانیوم را برای یک برنامه غیرنظامی ادامه دهد. ایران در تعقیب برنامه هسته‌ای‌اش می‌تواند مدل ژاپن را دنبال کند. به عقیده نگارنده استاندارد هسته‌ای ژاپن مدل ایده‌آلی برای برنامه چرخه سوخت هسته‌ای غیرنظامی در یک

کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای است. ژاپن ثابت کرده که قواعد منع گسترش با ساخت چرخه سوخت هسته‌ای غیرنظامی منطبق است و یک برنامه گسترده سوخت هسته‌ای می‌تواند با پذیرش معیارهای منع گسترش محقق شود.

بنابراین بررسی دقیق‌تر موضوع این نکته را آشکار می‌سازد که برنامه هسته‌ای ایران بهانه‌ای است و مسئله اصلی ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد که موازنه قدرتی را که در آن آمریکا و اسرائیل از آن بهره‌مند بوده‌اند را مورد چالش قرار می‌دهد.

با این حال، ایران از هر فرصتی برای حل محدود مسائل مبهم باقیمانده برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازگرداندن اعتماد جامعه بین‌المللی مبنی بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خویش خودداری نکرده است. در این جهت ایران در حرکتی آشکار به منظور شفافیت بیشتر برنامه‌های هسته‌ای خود پیشنهاد کرده که یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای توسعه سوخت هسته‌ای در ایران تأسیس شود که مشترکاً توسط کشورهای دارای این فن‌آوری اداره شود و براساس پادمان‌های آژانس بین‌المللی

اتمی به فعالیت بپردازد.

فرجام

در عرصه بین‌المللی مسائل اندکی وجود دارد که به لحاظ اهمیت با مسائل مرتبط با انرژی و امنیت آن قابل مقایسه باشند. کنترل و یا دستیابی به بازارهای انرژی بر مسئله امنیت انرژی تمرکز دارد. انرژی هسته‌ای از آنجایی که به دو مقوله حیاتی امنیت انرژی و امنیت بین‌المللی مرتبط است، مورد توجه خاص قرار گرفته است. دورنمای جهانی نشانگر افزایش تقاضای شدید انرژی به ویژه برای انرژی هسته‌ای است. از آنجایی که که فن‌آوری‌های مورد استفاده برای انرژی هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای بسیار به هم نزدیک می‌باشند، معاهده منع اشاعه هسته‌ای مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

در این شرایط و در حالی که از جاذبه سلاح‌های هسته‌ای به علت سیاست قدرت‌های هسته‌ای که از زرادخانه هسته‌ای خود به عنوان عامل مهم برای حفظ جایگاه خود به عنوان قدرت بزرگ بهره می‌برند، کاهش نیافته است. و از سوی دیگر قدرت‌های مذکور شدیداً از انحصار خود

برای برخورداری انحصاری از امکانات هسته‌ای از جمله فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای به بهانه نگرانی از گسترش تسلیحات هسته‌ای، دفاع می‌کنند. تردیدی نیست که برای حفظ کیان معاهده منع اشاعه قدرت‌های هسته‌ای و دیگر کشورهای که دارای فن‌آوری هسته‌ای هستند می‌بایست مفاد تصریح شده در این معاهده را برای مشروعیت انتقال تکنولوژی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت شناخته و آن را عملاً اجرا کنند.

در حالی که برنامه انرژی هسته‌ای ایران را آمریکا و برخی دیگر از کشورها بر پایه‌های مفاد معاهده منع اشاعه به چالش می‌کشند، این جریان در واقع فرصتی را برای بازبینی چالش‌های واقعی بر رژیم منع اشاعه و پرداختن به طرح جامع خلع سلاح هسته‌ای فراهم کرده است. بنابراین یک رویکرد کوتاه‌بینانه و فارغ از مبانی حقوقی در مورد برنامه هسته‌ای ایران نه تنها نمی‌تواند راه‌حلی اساسی برای مشکل کنونی ارائه نماید. بلکه برای این امر باید به دنبال راه‌حل و رهنمونی بود که بتواند ضمن پاسخ دادن به تقاضای رو به رشد انرژی هسته‌ای اعمال مقررات بین‌المللی منع اشاعه هسته‌ای را امکان‌پذیر سازد.